



# اصول فقه ۳ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۲۰

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی  
آموزشیار: آقای یوسف رستماني

## مقدمه

در درس قبل گفته شد که اثبات حجیت خبر واحد در قالب سیره را باید در طی چهار امر دنبال کنیم؛ در امر اول به دنبال اثبات معاصرت این سیره با عصر معصوم (ع) هستیم یعنی می‌خواهیم اثبات کنیم که سیره عقلاء در عصر معصوم (ع) بر عمل به اخبار آحاد شکل گرفته است. برای اثبات این معاصرت پنج راه وجود داشت که مصنف از میان آنها راه سوم را برگزید که نیازمند به پنج شرط بود. از میان این شروط پنج‌گانه دو شرط را در جلسه گذشته بررسی کردیم و دانستیم این دو شرط در محل بحث فراهم است.

حال باید ببینیم که آیا سه شرط دیگر نیز در محل بحث - اثبات حجیت اخبار آحاد - وجود دارد یا نه؟ از آنجا که پذیرش یا عدم پذیرش حجیت خبر واحد در بسیاری از مباحث فقهی تاثیرگذار بوده و احکام فقهی متعددی را تحت پوشش قرار می‌دهد مطالعه و بررسی ادله حجیت خبر واحد اهمیت به‌سزایی خواهد داشت در همین راستا با توجه به اینکه مصنف، دلالت آیات را بر حجیت خبر واحد نپذیرفت، و در صدد اثبات آن از راه سیره برآمده است، بر دانش پژوه لازم است تا راه‌های پنج‌گانه اثبات معاصرت سیره، خصوصاً راه سوم را که در درس‌های گذشته بیان شد، مورد مطالعه دقیق قرار دهد.

آگاهی بر اقسام سیره و چگونگی جمع بین مطلق و مقید (قاعده جمع عرفی) در فهم بهتر مطالب این درس ضروری است.

## متن درس

[أدلة حجّة خبر الواحد: و قد استدللّ على الحجّة بالكتاب و السنّة. أمّا الكتاب الكريم فبآيات: ... و أمّا السنّة... و هنا وسيلتان للإحراز الوجدانيّ: إحداهما: التواتر... و الاخرى: السيرة... فتقريب الاستدلال بها يشتمل على الامور التالية: أولاً: إثبات السيرة...]

و الاستعلام يجب أن يكون بحجم أهميّة المسألة، و هذا يقتضى افتراض أسئلة و أجوبة كثيرة، فلو لم يكن خبر الثقة حجّة لكان هذا يعنى تضافر النصوص بذلك فى مقام الجواب على أسئلة الرواة، و مع توفر الدواعى على نقل ذلك لابدّ من وصول هذه النصوص إلينا ولو فى الجملة، بينما لم يصل إلينا شيء من ذلك، بل وصل مايعزّز الحجّة، و هذا يعين: إمّا استقرار العمل بأخبار الثقات بدون استعلام، و إمّا استقراره على ذلك بسبب الاستعلام و صدور البيانات المثبتة للحجّة. ثانياً: أن السيرة الثابتة بالبيان السابق إذا كانت سيرة لأصحاب الأئمة بما هم متشرّعة فهى تكشف عن الدليل الشرعىّ بلا حاجة إلى ضمّ مقدّمة، و إذا كانت سيرة لهم بما هم عقلاء ضمّنا إليها مقدّمة أخرى، و هى: أن الشارع لم يردع عنها، إذ لو كان قد ردع بالدرجة الكافية لأثر هذا الردع من ناحية فى هدم السيرة، و لوصل إليها شيء من نصوص الردع. ثالثاً: أن الآيات الناهية عن العمل بالظنّ قد يتوهم أنّها تردع عن السيرة؛ لأنّ خبر الواحد أمانة ظنيّة فيشمّله إطلاق النهى عن العمل بالظنّ. ولكنّ الصحيح أنّها لا تصلح أن تكون رادعة؛ و ذلك لأننا أثبتنا بالفعل انعقاد السيرة المعاصرة للأئمة على العمل بأخبار الثقات فى الشرعيّات، و هذا يعنى -بعد استبعاد العصيان- إمّا وصول دليل إلّهم على الحجّة، أو غفلتهم عن اقتضاء تلك النواهي للردع، أو عدم كونها دالّة على ذلك فى الواقع، و على كلّ من هذه التقادير لا يكون الردع تاماً.

و مثل ذلك يقال فى مقابل التمسك بأدلة الاصول، كدليل أصالة البراءة - مثلاً - لإثبات الردع بإطلاقها لحالة قيام خبر الثقة على خلاف الأصل المقرّر فيها.

## ادامه بحث چگونگی برخورد متشرعین با اخبار ثقات

گفته شد اثبات حجیت خبر واحد در قالب سیره می‌باید در قالب چهار امر بیان گردد؛ در امر اول در صددیم تا اثبات کنیم که سیره عقلاء در عصر معصوم (ع) بر عمل به اخبار آحاد شکل گرفته است. برای اثبات معاصرت پنج راه وجود داشت که مصنف از میان آنها راه سوم را که نیازمند به پنج شرط بود، برگزید. از میان این شروط پنج‌گانه، دو شرط را در درس گذشته بررسی کرده و دانستیم این دو شرط در محل بحث فراهم است. اکنون می‌باید وجود سه شرط دیگر را احراز کنیم.

در بیان شرط دوم گفتیم که متشرعین یا به اخبار ثقات عمل می‌کردند و یا عمل نمی‌کردند که حکم صورت اول بیان شد. در مورد صورت دوم نیز بیان شد که عمل نکردن متشرعین به اخبار ثقات حتماً باید با استعلام از معصوم (ع) باشد. نکته‌ای که در اینجا وجود دارد -چنانچه در مباحث پیشین به آن اشاره کردیم- این است که همواره باید استعلام از معصوم (ع) پیرامون یک حکم، از حیث حجم، متناسب با اهمیت مسئله باشد؛ یعنی هرچه مسئله‌ای مهم‌تر باشد استعلام از حکم آن مسئله از معصوم (ع) بیشتر خواهد بود این باعث جواب‌های بیشتری از ناحیه معصوم (ع) می‌شود.

مسئله خبر آحاد نیز بسیار مورد ابتلا و مهم بوده است؛ بنابراین اگر فرض شود که متشرعین زمان معصوم (ع) بر اخبار آحاد اعتماد نمی‌کردند، از آنجایی که این عمل نکردن بر خلاف سببه عقلائیة‌شان بوده پس باید به کرات از محضر معصوم (ع) سؤال کرده و امام (ع) هم به دفعات پاسخ آنها را داده باشد.

حال با توجه به آنکه انگیزه‌ها برای ثبت و ضبط این سؤال و جواب‌ها وجود داشته و مورخین در صدد بوده‌اند که تمام آنچه را از لسان معصومین (ع) صادر می‌شود برای ما بنگارند می‌بایست مقداری از این سؤال و جواب‌ها -هر چند به صورت فی الجمله- به دست ما می‌رسید، چون دلیلی نداریم که این حجم از سؤال و جواب به یکباره از ما مخفی شده و از کتب روایی ما حذف شده باشد. حال آنکه در این کتاب‌ها نه تنها روایتی در مذمت اخبار آحاد و تمسک به آنها وجود ندارد، بلکه به عکس، روایات فراوانی بر حجیت خبر ثقه دلالت می‌کنند و نشان می‌دهند که اخبار ثقات باید مورد اعتماد مؤمنین و متشرعین قرار بگیرد. این امر، نشانگر آن است که از سوی معصومین (ع) هیچ‌گونه ردع و منعی نسبت به اعتماد بر اخبار ثقات وجود نداشته است.

بنابراین شرط سوم و چهارم و پنجم نیز فراهم می‌گردد؛ شرط سوم این بود که انگیزه‌ها برای نقل این سؤال و جواب‌های انبوه وجود داشته باشد و شرط چهارم این بود که دلیل و توجیهی برای اخفاء این سؤال و جواب‌ها وجود نداشته باشد؛ البته ایشان در اینجا اشاره‌ای به شرط چهارم نمی‌کنند که علت آن وضوح وجود شرط چهارم در محل بحث است. شرط پنجم این بود که چیزی از این نصوص دال بر عدم حجیت خبر ثقه، به دست ما نرسیده، بلکه به عکس، نصوصی که حجیت را تقویت می‌کند به دست ما رسیده است. پس با فراهم آمدن هر پنج شرطی که برای طریق سوم لازم بود می‌توانیم ادعا کنیم که سیره عمل به اخبار آحاد، در زمان معصوم (ع) نیز وجود داشته است، در غیر این صورت باید در کتب روایی ما پاره‌ای روایات در مذمت اخبار ثقات و اعتماد بر آن می‌رسید،

حال آنکه چنین اعتراضی وارد نشده است. هم‌چنین تفاوتی نمی‌کند که این سیره - که در زمان معصوم (ع) ثابت است - سیره عقلانی است یا سیره متشرعه؛ چنانچه توضیح آن در جلسه گذشته بیان شد.

FG

<p>شرط ۱: وجود بسیاری از اخبار ثقات محل ابتلا، در دست متشرعین معاصر ائمه (ع).</p> <p>شرط ۲: متشرعین یا به این روایات عمل می‌کردند یا خیر؛ در صورت اول، عمل آنها یا بر اساس تعلیم از ائمه (ع) بوده یا تبعیت از فطرت درونی و عقلانی؛ در هر دو صورت، حجیت خبر واحد ثقه ثابت می‌شود. اما در صورت دوم، ممکن نیست که عمل نکردن آنها بدون استعلام از شارع بوده باشد.</p> <p>شرط ۳: وجود انگیزه برای نقل این سؤال و جواب‌ها</p> <p>شرط ۴: عدم وجود دلیلی برای اخفاء سؤال و جواب‌ها</p> <p>شرط ۵: چیزی از نصوص دال بر عدم حجیت خبر ثقه به دست ما نرسیده باشد.</p> <p>نتیجه: از سوی معصومین (ع) هیچ گونه ردع و منعی نسبت به اعتماد بر اخبار ثقات وجود نداشته است.</p>	<p>راه ۱: حاکی بودن سیره از نکات فطری و سلیقه نوعی مشترک در میان تمام عقلاء و تمام زمانها.</p> <p>راه ۲: نقل تاریخی.</p> <p>راه ۳: عدم قیام سیره در عصر معصوم (ع) دارای لازمی باشد که وجدانا منتفی است. این راه نیاز به احراز ۵ شرط دارد:</p> <p>راه ۴: قیاس استثنائی</p> <p>راه ۵: ملاحظه تحلیلی وجدانی</p>	<p>اثبات معاصرت یک سیره با عصر معصوم (ع)</p>
---	--	--

### تطبيق

و الاستعلام يجب أن يكون بحجم أهمية المسألة، و هذا يقتضى افتراض أسئلة و أجوبة كثيرة، و استعلام از امام (ع) پیرامون حکم یک مسئله می باید با حجم اهمیت مسئله متناسب باشد، و این (که استعلام باید متناسب با حجم اهمیت مسئله باشد، چنانچه در مسئله حجیت اخبار آحاد این گونه است) اقتضاء می‌کند که سؤال و جواب‌های بسیاری مطرح شود.

فلو لم يكن خبر الثقة حجة لكان هذا يعنى تضافر النصوص بذلك<sup>۱</sup> فى مقام الجواب على أسئلة الرواة،

۱. مشارالیه: وجوب كون الاستعلام بحجم أهمية المسألة.

پس حجت نبودن خبر ثقه به معنای فراوانی نصوص به عدم حجیت در مقام جواب بر سؤال‌های راویان خواهد بود، ومع توفر الدواعی على نقل ذلك لابد من وصول هذه النصوص إلینا ولو فی الجملة،

ودر حالی که انگیزه‌ها برای نقل این نصوص فراوان است پس باید این نصوص به دست ما برسد هر چند به مقدار خیلی کم و فی الجملة. (اشاره است به شرط سوم که عبارت بود از وجود انگیزه‌ها برای نقل نصوص) بینما لم یصل إلینا شیء من ذلك، بل وصل ما یعزز الحجیة،

(اشاره به آخرین شرط) در حالی که چیزی از این نصوص (دال بر عدم حجیت خبر ثقه) به دست ما نرسیده است، بلکه به عکس، نصوصی که حجیت را تقویت می‌کند به دست ما رسیده است (مثل بعضی از روایات که با این مضمون رسیده است «لا یجوز لأحد التشکیک فیما یروی عنّا ثقاتنا؛ جایز نیست بر کسی، که شک کند در چیزی که ثقات ما از ما نقل می‌کنند» یا «الراد علیهم کالراد علینا؛ کسی که که آنها را رد کند ما را رد کرده است».) و هذا<sup>۲</sup> یعیّن: إمّا استقرار العمل بأخبار الثقات بدون استعمال، و إمّا استقرار<sup>۳</sup> علی ذلك بسبب الاستعمال و صدور البيانات المثبتة للحجیة.

و این شروط پنج‌گانه تعیین می‌کند: یا استقرار عمل به اخبار ثقات را در عصر معصوم (ع) بدون اینکه از معصوم (ع) استعمال کنند (اشاره می‌کند به عقلانیه بودن سیره) و یا استقرار<sup>۴</sup> سیره بر عمل به اخبار ثقات را (بنابر شروط پنج‌گانه‌ای که بیان گردید) به سبب استعمال و به سبب صدور بیاناتی (که از ناحیه شارع رسیده است) که مثبت حجیت برای اخبار ثقات است.

SCO۱:۱۹:۳۰

## امر دوم: اقسام سیره عمل به اخبار ثقات

بیان کردیم برای آنکه سیره بتواند حجیت خبر واحد را اثبات کند باید چهار امر در آن احراز شود. در امر نخست اثبات کردیم که در زمان معصوم (ع)، سیره‌ای بر عمل به اخبار ثقات وجود داشته است. حال در امر دوم می‌خواهیم بدانیم که آیا این سیره، سیره عقلانیه بوده است یا سیره متشرعه؟ اگر سیره متشرعه بوده، پس دیگر نیازی به انضمام سکوت معصوم (ع) ندارد؛ چون سیره متشرعه به طریق حساب احتمالات، کاشف از دلیل شرعی و بیان شارع است، به همان روشی که در وسائل اثبات وجدانی در مورد آن سخن گفتیم. اما اگر این سیره، سیره عقلانی باشد، محتاج به امضاء شارع است که از سکوت او به دست می‌آید، چون ما تابع عقلاء نیستیم بلکه تابع شارع و معصوم (ع) هستیم. سکوت معصوم (ع) در قبال سیره‌ای مثل سیره عمل به اخبار ثقات و عدم اعتراض ایشان بدان

۱. مشارالیه: عدم حجة خبر الثقة.

۲. مشارالیه: توفر شروط خمسة.

۳. مرجع این ضمیر محل ابهام است، چون اگر ضمیر «استقرار» را به عمل به اخبار ثقات بزنیم در این صورت «علی ذلك» بی معنا خواهد بود. اینجاست که اندکی در عبارت ایشان اضطراب دیده می‌شود؛ ممکن است استقرار را به سیره بزنیم، چنانچه معنا کردیم. اما اینجا تعبیری از سیره یا بناء نیامده است که بتوانیم ضمیر استقرار را به آن برگردانیم. پس در مجموع مراد ایشان کاملاً روشن است.

۴. این استقرار دوم اشاره می‌کند به سیره متشرعه که برآمده از تعلیم شارع مقدس است.

علت است که اگر واقعاً در مقام ردع از این سیره بود حتماً می‌باید متناسب با حجم این سیره ردع و منع می‌نمود. درحالی که اگر چنین ردع حجیمی از سوی شارع مقدس اتفاق افتاده بود اولاً، دیگر چنین سیره‌ای در عصر شارع برپا نمی‌شد و حداقل این توافق جمعی بر عمل به اخبار ثقات به هم می‌خورد. ثانیاً باید مقداری از این ردع، حداقل در نصوص دینی موجود منعکس می‌شد و در نتیجه به‌دست ما می‌رسید، درحالی که نه فقط ردعی نرسیده بلکه پاره‌ای از روایات موجود، دال بر حجیت اخبار ثقات است.

### تطبیق

ثانیاً: *أنَّ السيرة الثابتة بالبيان السابق إذا كانت سيرة لأصحاب الأئمة بما هم متشرعة فهي تكشف عن الدليل الشرعي بلا حاجة إلى ضمّ مقدمة،*

ثانیاً: سیره‌ای که با بیان سابق ثابت شد (یعنی معاصرت آن با عصر معصوم (ع) به اثبات رسید) از دو حال خارج نیست: اول اینکه اگر این سیره، سیره اصحاب ائمه (ع) - به این عنوان که متشرع هستند - باشد پس این سیره (که سیره متشرعه است) کاشف از دلیل شرعی است (به نحو *إِنِّي* و کشف معلول از علت)، بدون اینکه نیازمند ضمیمه کردن مقدمه‌ای (مثل اثبات عدم ردع شارع) باشیم.

و إذا كانت سيرة لهم بما هم عقلاء ضمننا إليها مقدمة أخرى، و هي: *أنَّ الشارع لم يردع عنها،*

(حالت دوم) اما اگر این سیره، سیره اصحاب ائمه (ع) به این عنوان که عقلا هستند باشد (که به طبع عقلانی خود به اخبار آحاد عمل می‌کنند)، در این صورت به این سیره عقلانی مقدمه دیگری ضمیمه می‌کنیم که عبارت است از اینکه شارع از این سیره عقلاء ردع نفرموده است (چون سیره عقلا بما هی هی دلیلیت ندارد).

*إذ لو كان قد ردع بالدرجة الكافية لأثر هذا الردع من ناحية في هدم السيرة،*

چون اگر شارع به میزان کافی (یعنی به میزانی که با حجم اهمیت این مسئله متناسب باشد) ردع می‌نمود، هر آینه این ردع از یک ناحیه در نابودی این سیره، مؤثر واقع می‌شد (و باعث می‌شد میان متشرعینی که خود را تابع معصومین (ع) می‌دانستند چنین سیره‌ای راه نیابد و در نتیجه، سحیه عقلانیه خود را به کنار می‌نهادند؛ همان‌طور که در ربا شاهد هستیم).

و لوصل إليها شيء من نصوص الردع.

و از ناحیه دیگر به دست ما چیزی از این نصوص ردع می‌رسید (و باید در کتب روایی ما پاره‌ای از اخبار در مذمت عمل به اخبار ثقات رسیده بود و حال آنکه اخباری وجود دارد که دلالت بر حجیت اخبار ثقات می‌کند).

SCO۲: ۲۷:۲۰

امر سوم: بررسی آیات و روایات ناهی از سیره عمل به خبر واحد

بخش اول: بررسی آیات

۱. مرجع ضمیر: سیره.

۲. مرجع ضمیر: مقدمه آخری.

برای آنکه سیره بتواند حجیت خبر واحد را اثبات کند، باید چهار امر در آن احراز شود که تا کنون امر اول و دوم را مورد بررسی قرار دادیم. امر سوم پیرامون برخی از آیات یا روایاتی است که گفته‌اند از عمل به اخبار ثقات، ردع و منع می‌کنند. برخی در بخش آیات، به آیات ناهی از عمل به ظن تمسک کردند و ادعا کرده‌اند که بعضی آیات از پیروی مؤمنین از ظنون، نهی می‌کند؛ مثل «لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ؛ از آنچه که به آن علم نداری پیروی نکن». یا مثل «إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ؛ پاره‌ای از ظنون گناه است». و یا مثل آیاتی که می‌گوید «إِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً؛ ظن انسان را بی نیاز از حق نمی‌کند». اما به راستی آیا این آیات که اطلاق داشته و هر گونه ظنی از جمله ظن ناشی از خبر ثقه را در بر می‌گیرد رادع از عمل به خبر ثقه هستند یا خیر؟

مرحوم شهید صدر در پاسخ می‌فرماید: این آیات نمی‌توانند به واسطه اطلاق که دارند ما را از عمل به اخبار ثقات ردع کنند چون اثبات کردیم که سیره اصحاب ائمه (ع) که در مرئی و منظر معصوم (ع) بوده، برعمل به اخبار ثقات مستقر بوده است.

### وجوه اعتماد متشرعین به خبر ثقه با وجود آیات ناهی از عمل به ظن

اما درباره اینکه چرا متشرعین با وجود این آیات باز هم به خبر ثقه اعتماد می‌کردند، چند احتمال مطرح است:

۱. احتمال اول: اینکه بگوییم متشرعین با وجود اینکه می‌دانستند عملشان منهی قرآن است معصیت می‌نموده‌اند. این احتمال بسیار بعید و غیر قابل قبول است.

۲. احتمال دوم: اینکه بگوییم ادله‌ای که بر حجیت اخبار ثقات، یعنی حجیت ظن ناشی از خبر ثقه دلالت می‌کند به دست متشرعین رسیده است. طبق این احتمال از یک طرف با اطلاق آیات دال بر عدم حجیت ظن و از طرف دیگر با روایاتی که دلالت بر حجیت خصوص ظن ناشی از خبر ثقه دارند مواجه هستیم؛ هر گاه یک طرف، مطلق (عام) و طرف دیگر مقید (خاص) بود طبق قاعده جمع عرفی باید مطلق (عام) را حمل بر مقید (خاص) نمود. در اینجا نیز همین اتفاق می‌افتد؛ یعنی باید بگوییم اطلاق آیات دال بر عدم حجیت ظن، به واسطه این اخبار - که دال بر حجیت خبر ثقه‌اند - قید خورده است و دیگر اطلاقی که شامل ظنون ناشی از اخبار ثقات شود وجود ندارد.

۳. احتمال سوم: اینکه بگوییم نه آنها معصیت کرده بودند و نه دلیلی بر حجیت اخبار ثقات داشتند، بلکه همه متشرعین از ردعی که این آیات مقتضی آن بود غافل شده بودند و یک غفلت همگانی بین آنها رخ داده بود. این احتمال نیز غیر قابل قبول است؛ چون بارها تأکید کرده‌ایم که ردع شارع همواره باید از حیث حجم و وضوح متناسب با سیره باشد و می‌باید ردع از سیره به میزان اهمیت و رسوخی که این مسئله در میان عقلا دارد، صورت گیرد. پس اینکه یک غفلت همگانی بین متشرعین نسبت به این آیات رخ داده، نشان می‌دهد که از اساس چنین ردعی وجود نداشته است.

۴. احتمال چهارم: اینکه آیات ناهی از ظن، اساساً از عمل به اخبار ثقات ردع نمی‌کنند و دلالتی بر عدم حجیت اخبار ثقات ندارند. این حالت همان مطلوب ما است و نشان می‌دهد که اساساً ردعی از ناحیه معصوم (ع) نرسیده و سیره متشرعین بر عمل به اخبار ثقات، مردوعه و مورد اعتراض معصوم (ع) نبوده است.



احتمال اول: همه متشرعین عصر معصوم (ع)، معصیت کرده باشند که این بعید است.

احتمال دوم: دلیلی بر حجیت اخبار ثقات به متشرعین رسیده بود.

احتمال سوم: همه آنها غافل از این بوده‌اند که این نواهی قرآنی و ادله اصول، مقتضی ردع از عمل به خبر ثقه می‌باشند.

احتمال چهارم: این آیات و ادله، در واقع دال بر ردع نیستند.

مصنف: بنابر هیچ یک از این احتمالات، ردع شارع، تام محسوب نمی‌شود تا مانع فعلیت سیره گردد.

وجوه اعتماد متشرعین به خبر ثقه با وجود آیات ناهیه از عمل به ظن

### بخش دوم: بررسی روایات

ادعا شده است که برخی از روایات نیز دلالت بر ردع از عمل به خبر واحد می‌کنند؛ مثل روایاتی که می‌گویند؛ در هر تکلیفی که معلوم نباشد، براءت جاری کنید. مانند حدیث رفع که می‌گویند «رفع ما لا یعلمون»؛ آنچه نمی‌دانید از شما برداشته شده است. این روایات به اطلاق خود شامل تکالیفی می‌شوند که خبر ثقه بر ثبوت آنها قائم شده است؛ یعنی می‌گویند حتی تکالیفی که اخبار ثقات دلالت بر ثبوت آنها می‌کند، مجرای براءت هستند و نباید به این اخبار ثقات اعتنا شود. برای مثال، هر چند که خبر ثقه گفته باشد گوشت خرگوش حرام است، اما چون حرمت آن به واسطه خبر ثقه بیان شده دلیل براءت می‌گویند به این تکلیف اعتنا نکرده و براءت جاری کنید. و این به معنای آنست که به خبر ثقه‌ای که دلالت بر ثبوت این تکلیف می‌کند بی‌اعتنا باشید.

پاسخ این ادعا نیز همان پاسخی است که به آیات ناهی از عمل به ظن دادیم؛ یعنی در اینجا هم چهار حالت وجود دارد که طبق تمام این حالات، ردع تامی ثابت نخواهد بود.

### تطبیق

ثالثاً: أنَّ الآيات الناهية عن العمل بالظن قد يتوهم أنَّها تردع عن السيرة؛

امر سوم: آیاتی که نهی از عمل به ظن می‌کنند گاه توهم می‌شود که این آیات ردع از سیره می‌کنند؛

لأنَّ خبر الواحد أمانة ظنيّة فيشمله إطلاق النهي عن العمل بالظن.

چون خبر واحد یک اماره ظنی است، پس اطلاق نهی از عمل به ظن (اطلاق آیاتی که از عمل به ظن نهی می‌کند) شامل آن می‌شود.

ولكن الصحيح أنَّها لا تصلح أن تكون رادعة؛

اما صحیح آن است که این آیات صلاحیت ردع ندارند و نمی‌تواند رادع از عمل به ظن باشند

وذلك لأننا أثبتنا بالفعل انعقاد السيرة المعاصرة للأئمة على العمل بأخبار الثقات في الشرعيّات،

چون ما ثابت کردیم که سیره معاصر با ائمه (ع) بر عمل به اخبار ثقات در حوزه شرعیات به صورت بالفعل منعقد بوده است.

۱. متعلّق: نهی.

و هذا<sup>۱</sup> یعنی - بعد استبعاد العصیان<sup>۲</sup> -

و این انعقاد بالفعل سیره معاصر با ائمه (ع) - البته بعد از اینکه بعید بدانیم که همه متشرعین عصر معصوم (ع) معصیت کرده باشند - به این معناست که:

إِذَا<sup>۳</sup> وَصُولٌ<sup>۴</sup> دَلِيلٌ إِلَيْهِمْ عَلَى الْحُجَّةِ،

یا دلیلی بر حجیت اخبار ثقات به متشرعین رسیده است

أَوْ<sup>۵</sup> غَفَلْتَهُمْ عَنْ اقْتِضَاءِ تِلْكَ النُّوَاحِي لِلرَّدْعِ،

یا اینکه بگوئیم همه آنها از اینکه این نواهی قرآنی مقتضی ردع از عمل به خبر ثقه اند غافل بوده اند

أَوْ<sup>۶</sup> عَدَمُ كَوْنِهَا دَالَّةً عَلَى ذَلِكَ فِي الْوَاقِعِ،

یا اینکه بگوئیم این آیات در واقع، دال بر ردع نیستند.

و عَلَى كُلِّ مِنْ هَذِهِ التَّقَادِيرِ لَا يَكُونُ الرَّدْعُ تَامًّا.

و بنابر هر یک از این فرض‌هایی که بیان کردیم ردع شارع، تام محسوب نمی‌شود (تا مانع فعلیت سیره شود).

و مثل ذلك يقال في مقابل التمسك بأدلة الاصول، كدليل أصالة البراءة - مثلاً - لإثبات<sup>۸</sup> الردع بإطلاقها<sup>۹</sup> لحالة<sup>۱۰</sup> قيام خبر الثقة على خلاف<sup>۱۱</sup> الأصل المقرر فيها<sup>۱۲</sup>.

و مثل همان پاسخی که به آیات ناهی از عمل به ظن داده شد در مقابل تمسک (قائلین به ردع) به ادله اصول داده می‌شود، مثل دلیل اصل برائت که تمسک به آنها برای این است که ردع را به واسطه اطلاق خود برای حالتی که خبر ثقه بر خلاف اصلی که در آن حالت مقرر شده قائم شده باشد، اثبات کنند<sup>۱۳</sup>.

SC03: ۵۲:۳۰

۱. مشارالیه: انعقاد بالفعل سیره معاصر با ائمه (ع).

۲. احتمال اول را بیان می‌کند.

۳. بیان احتمال دوم.

۴. مفعول یعنی.

۵. بیان احتمال سوم.

۶. لام برای تقویت و للردع مفعول اقتضاء می‌باشد.

۷. بیان احتمال چهارم.

۸. متعلق: التمسك.

۹. متعلق: اثبات؛ مرجع ضمیر: ادله اصول.

۱۰. متعلق: اطلاق.

۱۱. متعلق: قیام.

۱۲. مرجع ضمیر: حالت.

۱۳. اگر خبر ثقه در جایی که محل اجرای اصل برائت است بر ثبوت تکلیف قائم شده باشد، در این صورت دلیل اصل برائت، رادع از عمل به خبر ثقه خواهد بود یا به عکس، اگر خبر ثقه در جایی که اصل احتیاط جاری می‌شود بر نفی تکلیف دلالت کند، در این صورت دلیل اصالة الاحتیاط رادع از عمل به خبر ثقه خواهد بود، چون مفاد آن بر خلاف مقتضای اصالة الاحتیاط است.

## چکیده

۱. عمل نکردن متشرعین به اخبار ثقات حتماً باید با استعلام از معصوم (ع) باشد.
۲. شروط پنج‌گانه برای اثبات معاصرت سیره با عصر معصوم (ع) عبارت بودند از: (شرط اول و دوم در درس گذشته بیان شد). شرط سوم این بود که انگیزه‌ها برای نقل این سؤال و جواب‌های انبوه وجود داشته باشد و شرط چهارم هم این بود که دلیل و توجیهی برای اخفاء این سؤال و جواب‌ها وجود نداشته باشد. شرط پنجم هم این بود که چیزی از این نصوص دال بر عدم حجیت خبر ثقه به دست ما نرسیده است، بلکه بر عکس نصوصی که حجیت را تقویت می‌کند به دست ما رسیده است. از مجموع این پنج شرط این نتیجه حاصل می‌شود که از سوی معصومین (ع) هیچ گونه ردع و منعی نسبت به اعتماد بر اخبار ثقات وجود نداشته است.
۳. سیره‌ای که معاصرت آن با معصوم (ع) به اثبات رسید از دو حال خارج نیست: یا این سیره، سیره متشرعه است که در این صورت کاشف از دلیل شرعی است، بدون اینکه نیازمند ضمیمه کردن مقدمه‌ای به آن باشیم. یا این سیره، سیره عقلانیه است که در این صورت باید مقدمه دیگری - که عبارت است از اینکه شارع از این سیره عقلای ردع نفرموده است - به آن ضمیمه کنیم، چون سیره عقلای بما همی‌هی دلیلیت ندارد.
۴. آیات ناهیه از عمل به ظن و نیز ادله اصول عملیه مثل اصالة البرائة نمی‌توانند به واسطه اطلاقی که دارند ما را از عمل به اخبار ثقات ردع کنند؛ چون اثبات کردیم که سیره اصحاب ائمه (ع) که در مرئی و منظر معصوم (ع) بوده، بر عمل به اخبار ثقات مستقر بوده است.